انقلاب مشروطه و تحولات پس از آن به روایت دیگر

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

دو رویکـرد متـداول برای فهم جامعـه ایران و تحولات آن به شکل عام و انقلاب مشروطه به شکل خاص که بیشـتر پژوهشگران و نویسـندگان ایرانی را تحـت تأثیر قرار داده اسـت، عبارت‌اند از: رویکرد دولتِ کمتر بازارِ بیشـتر و رویکرد استبداد ایرانی. در دهه‌های اخیر شیوه اندیشـیدن بسیاری از ما درباره جامعـه ایران و تحولات آن متأثـر از این دو رویکرد بوده اسـت. در این نوشتار سعی خواهم کرد ضمن به‌چالش‌کشـیدن دو رویکرد، دیدگاه جامع‌تری برای فهم انقلاب مشـروطه و چرایی به‌بیراهه‌رفتن پس از آن معرفی کنم. رویکرد دولت کمتر بازار بیشـتر، انقـلاب مشـروطه را براسـاس آشـنایی ایرانیان با اندیشـه‌ها و مبانی فکری تجـدد توضیح می‌دهد. از نظـر حامیان این طـرز فکر، تغییـر در طرز تفکر روشـنفکران و تجددطلبان ایرانی به سـبب آشنایی بـا تمدن غربـی علت اصلـی شـکل‌گیری انقلاب مشـروطه اسـت. براسـاس این رویکرد بـر مبنای مناسـبات تولیـدی و طبقاتـی نمی‌تـوان تحولات جامعه ایران را درک کرد. براسـاس این رویکرد، فکر ایجـاد مجلس ناشـی از تحول در اندیشـه و تفکر تجددخواهـان در درون دسـتگاه دولتـی و تاحدی بیرون از آن بود. از نظر پژوهشـگران و نویسـندگان معتقد به رویکرد دولت کمتر بازار بیشتر، سردمداران و نظریه‌پردازان مشـروطه عمدتا دیوان‌سالاران آشنا به اندیشه مدرن بودند که پایگاه اجتماعی‌شان بیشتر به مالکان ارضی برمی‌گشـت نه تجار و صنعتگران؛ بنابراین نهضت مشروطه نه مبارزه طبقه‌ای (بورژوا) علیه طبقه دیگر (فئودالیسـم) بـود و نه قیام ملت علیـه دولت بلکه جنبشـی بـود اصلاح‌طلبانه که به‌طور عمده ریشـه در تجددطلبان درون حکومتی و نیز روشـنفکران بیرون حکومت داشـت؛ بنابراین فهم انقلاب مشروطه از مسیر آشنایی دیوان‌سالاران و تجددطلبـان درون دربار که به‌شـدت تحت تأثیر پیشـرفت‌های غربی قرار داشـتند، ممکن شـد. در مقابل، پژوهشـگران و نویسـندگان رویکرد استبداد ایرانی مانند آبراهامیان معتقدند شـالوده اجتماعی جنبـش مشـروطه اهمیـت زیـادی دارد و تـوده مردم نقـش زیادی در انقلاب مشـروطه بازی کرد. همان‌گونه که گرامشی معتقد است حوادث و بستر تاریخـی خاص هر کشـور در آرایش میـان جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) تأثیرگذار است. آن‌گونه که گرامشی می‌نویسـد عمل تاریخی را فقط انسان جمعی می‌تواند به انجام برساند و این عمل مستلزم وحدت فرهنگی و اجتماعی است. انقلاب مشروطه ناشـی از وحدت تاریخی بین کارگـزاران حکومتی، گروه‌هـای مختلف جامعه مدنی و وضعیت اقتصاد و بازار آن زمـان بود. رابطه‌ای که میان برخی عمال درون حکومتـی و جامعـه مدنی و بازاریان شـکل گرفت، ایجـاد انتظام در پراکندگی بـود که به قول گرامشی بلوک تاریخی را به وجود آور د که نتیجه آن مشروطیت و شکل‌گیری مجلس بود. از اواسط قرن نوزدهم حضور و نفوذ کشورهای خارجی در جامعه ایران شـکل متفاوتی به خـود گرفت و بروز و ظهور فعال‌تـری پیدا کرد که پیامد آن به‌وجودآمدن جامه فعال ایرانی بود. برخی پژوهشـگران و نویسـندگان به جامعه فعال ایرانی اشـاره کرده‌اند اما توضیحی دربـاره آن نداده‌انـد. جامعـه ایران بنا به شـرایط اقتصـادی آن زمان با حضور و نفوذ اسـتعمارگران و ضعـف حکومت داخلی بـرای محافظت از خود فعال شد. اعتراض به به‌چوب‌بستن تجار و بازرگانان و قراردادهـای خارجی نشـانه‌ای از جامعه فعال و پویا در محافظت از خود در مقابل ضعف و حکومت و نفوذ کشـورهای خارجی بود. جامعه فعال ایرانی در آغاز انقلاب مشروطه شـکل منسجم و یکپارچه به خـود گرفت که یکی از علت‌های انتظام آن نفوذ کشـورهای خارجی بـود. چارچوب مناسـب برای تحلیـل نهضت مشـروطه مشـخص‌کردن آرایش بیـن جامعه مدنـی، دولت و اقتصاد اسـت. بدون داشـتن چنین رویکردی، تحلیل مشـروطه ایرانی یا به ایدئالیسـم صـرف یا به شـکلی از تحلیل مادی فروکاسـته می‌شـود. نمی‌توان این‌گونه تحلیل کرد که آشـنایی برخی افراد درون و بیـرون حکومت با اندیشه و تحولات غربی زمینه نهضت قانون‌خواهی را فراهم کرد و چند سـال بعد آشـنایی روشنفکران ایران با اندیشـه‌های سوسیالیسـتی و ناسیونالیستی مشـروطه را منحرف کرد؛ یعنی نهضت مشـروطه و تحولات بعـدی در جامعه ایـران را به تحول در اندیشه روشنفکران فروکاست و جامعه مدنی فعال و گسترش‌یافته آن زمان را مورد توجه قرار نداد. نباید از یاد برد که منابع مادی تاجران و اصناف در خدمت حرکت‌ها، اعتصابـات و اعتراضات بود. نتیجه اینکه حضور و نفوذ کشورهای خارجی و مذهب تشیع در کنـار ضعف حکومت منجر به شـکل‌گیری جامعه مدنـی پویا و انتظام‌یافته در آغاز نهضت مشـروطه بود. خطاسـت اگـر تحلیل نهضت مشـروطه فقط براساس آشنایی روشـنفکران ایرانی با اندیشه‌های غربی انجام شـود. برای تحلیل نهضت مشـروطه در کنار اهمیت روشـنفکران، کارگزاران و مصلحان درون دولـت باید به جامعه مدنـی پویا و فعال نیز اشاره کرد. بخشی از شکل‌گیری نهضت مشروطه را می‌توان در سطح آگاهی سیاسی جمعی از نیروهای درون حکومت تحلیل کرد. بخش دیگری از تحلیل باید در سـطح نیروهای اجتماعـی و جامعه مدنی انجام شـود. ارتباط و تعاملی را کـه بین گروه‌های ناهمگن جامعه مدنی شکل گرفته، می‌توان با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و بازار تفسیر کرد. بخشی از واقعیت‌هـای اقتصـادی و بـازار در واکنـش به قراردادهای تجاری و اقتصادی با کشورهای خارجی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. تحلیل مناسب برای درک نهضت مشـروطه این نیسـت که فلان طبقه منافع خودش را منافع سـایر طبقـات معرفی کرد یا فقط نتیجه آشنایی روشنفکران ایران با اندیشه‌های جدید اسـت. بحث این نیست که نهضت مشروطه انقلاب برپایه تحولات مادی است یا بر پایه تحول در اندیشه بلکه بحث ما این اسـت که آرایش مناسب بین سه عرصه جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) شـکل گرفت که نهضت مشـروطه را می‌توان بر اساس آن تحلیل کرد. اما پژوهشـگران و نویسندگان می‌توانند درخصوص چگونگی شـکل‌گیری آرایش مناسـب تحقیـق کنند. به عبارتی نحـوه تعامل و ارتباط بین سـه عرصه موضوع بحث اسـت. خلاصـه اینکه سرنوشـت جامعه را آگاهی گروهی از روشـنفکران رقم نـزد بلکه نیازهـای جامعه تحـول را رقم زد. همـه برای دفـاع از جامعه برخاسـتند و موفقیت نیز حاصل شـد. باید بر واقعیت آرایش مناسب بین جامعـه مدنی، دولت و اقتصاد برای تحلیل جامعه ایران و نهضت مشـروطه پافشاری کرد به این دلیل که تحلیل جامع‌تری فراهم می‌کند.

فروریختـن آرایـش مناسـب پـس از پیـروزی مشروطه

همان‌گونـه که بیان شـد، آرایش مناسـب بین جامعه مدنـی، دولت و اقتصاد انقلاب مشـروطه را رقـم زد اما ایـن آرایش پس از پیـروزی نهضت مشروطه دوام نیاورد. سـؤال مهم این است که در طول ۱۵ سال پس از انقلاب مشروطه تا شکل‌گیری حکومت رضاخان چه شـرایط و رخدادهایی شکل گرفـت کـه تنظیم جامعـه ایرانی دگرگون شـد و زمینه بـرای آرایش نامناسـب در زمـان حکومت رضاخان فراهم شـد؟ شـرایط چگونـه رقم خورد کـه آرایش جامعه ایرانی بر پایـه یک دولت مقتدر بدون جامعه مدنی قوی مبنا قرار گرفت؟ این دوره تاریخی بسـیار مهم و اساسی است به این دلیل که آرایش مناسـب قبلی فروریخت و آرایش نامناسبی شـکل گرفت که تاکنـون به‌جز دوره‌هـای تاریخی کوتاهی به درازا کشـیده شده اسـت. روایت غالب از این دوره چنین اسـت که جامعه ایرانی بر اساس چرخه اسـتبداد، فروپاشی اسـتبداد، هرج‌ومرج و پدیدآمدن اسـتبداد جدید بایـد فهمید. این رویکرد، گرایـش جامعه ایرانی بـه هرج‌ومرج و عادت‌های قدیمی تفرقه و عدم انسـجام و همکاری اجتماعی را مسئله اساسـی می‌داند. روایتی دیگر از آشفتگی این دوره بر اسـاس ویژگی شـخصیتی افراد استوار اسـت نخبگان و روشـنفکران خصلت‌هـای پیدا کردند که جامعه ایرانی را از آرایش مناسـب خارج کرد. کسـروی معتقد اسـت رفتارهای متعصبانه و رادیکال، کژاندیشـی، ناراستی و خودخواهی برخی افـراد جنبش مشـروطه را بی‌اثر سـاخت مکی در کتاب تاریخ بیست‌سـاله ایران می‌نویسـد «دستگاه مشـروطه که (با تبدیل اسـم و صورت) به‌دسـت رجال دوره اسـتبداد و ملتزمین رکاب (قبله عالم) اداره می‌شـد فرسوده و زنگ‌زده بود و نمی‌توانست آرزوهای نسل جوان را برآورده سازد... امواج امید و تمایلات طوفان نسل جوان به صخره نابودکننده‌ای برخـورد و بـا صورتی رقـت‌آور متلاشـی و محو می‌گردید. این صخره نابودکننده عبارت از سسـتی و تسـامح و ضعف نفس رجال کشـور بود که فاقد جسارت و جرأت بودند». برخی نیز معتقدند گرایش روشـنفکران و نخبگان ایرانی به سـمت اندیشـه جمع‌گرایی (سوسیالیسم و ناسیونالیسم) تیر خلاص را به مشـروطه ایرانی زد. بر اسـاس این طرز فکر، جامعه مدنـی آن‌زمان یعنـی روزنامه‌ها، اصناف، اتحادیه‌ها مبتلا به رادیکالیسم و اندیشه جمع‌گرایی شـدند که نتیجـه آن دولت بزرگ بـازار کوچک و اقتصادمـداری بـود. این تفکر بیش از همه سـوژه و کارگزاران انقلاب مشـروطه را مسـبب ناتمامی و ناکامی مشـروطه ایرانـی می‌دانند. بر اسـاس این رویکرد، روشنفکران ایرانی استبداد قدیم را با هدف حاکمیـت قانـون از میان برداشـتند اما بـا رفتار و تفکرات جمع‌گرایی زمینه‌ساز استبداد نوینی شدند. تفکـری که ظهور و بروز جمع‌گرایـی در این دوران را سـبب ظهور اسـتبداد نو می‌داند جامعه مدنی (تعداد فزاینده جمعیت‌ها و انجمن‌های مسـتقل، شـکل‌گیری نشریات مستقل) را جزئی از مشکل این دوره و ظهور دولت اسـتبدادی نوین می‌داند. برای تحلیـل ایـن دوره و توضیح آشـفتگی‌ها از ضعف دولت و عامل خارجی سـخن گفته شـده است اما ارتباط رخدادها توضیح داده نشده است. در برخی متـون کشـمکش و تفرقه بین گروه‌هـای مختلف جامعه به‌ویژه نخبگان جدید و سـنتی عامل اصلی ضعف دولت مرکزی تلقی شـده است که درنهایت ایـلات و ایالات در مقابـل حکومت مرکزی قد علم کردنـد که یـا حکومت‌های خودمختار و مسـتقل تشـکیل دادند یا مشغول نبرد بر سر زمین شدند که البتـه تهدید خارجی و وضعیـت جدید بین‌المللی نیز در ضعف حکومت مرکز نقش داشـته اسـت. این روایت‌ها تحلیل درسـت اما ناقصی از این دوره ارائه می‌کنند. در ایـن دوره تاریخی رخدادهایی به وجود آمد که آرایش مناسـب قبلی را به‌هم ریخت و شـرایط به گونه‌ای رقم خورد که آرایش نامناسب از درون آن زاده شـد. ایـن وضعیـت تنها مختص ایران نبود، برخی کشـورها نیز به چنین مسـئله‌ای دچار شدند. برای مثال، آرایش نامناسب در جامعه آلمان پس از جنگ جهانی اول نیز شـکل گرفت اما تفاوت در این است که آنها توانستند آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولـت و اقتصاد را بعد از جنگ جهانـی دوم رقم بزننـد و آن را مدام بازنگری کنند اما جامعه ایران تاکنون نتوانسـته اسـت به آرایش مناسب بین این سـه عرصه دست یابد. هرچند این نکته باید مدنظر باشـد که تفاوت‌های اساسـی بین جامعه ایران و آلمان وجود داشته و دارد.

رویکـرد چرخه اسـتبداد و هرج‌ومرج یا رویکرد دولت بزرگ بـازار کوچک که گرایش روشـنفکران ایرانی به تفکر جمع‌گرایـی را دلیل اصلی انحراف نهضت مشـروطه می‌داند، در فهـم جامعه ایران کاسـتی‌هایی دارنـد و نتوانسـته‌اند رابطـه میان رخدادهای آن دوره را به‌خوبی تبیین کنند. در هر دو رویکرد، جامعه مدنی و رابطه آن با دولت و اقتصاد از تیررس فهم دور می‌شـود. مداخله کشـورهای قدرتمند پس از انقلاب مشـروطه شکل جدیدی به خود گرفت. در اوایل این دوره روسـیه و انگلسـتان از بیم قدرت‌گرفتن آلمان اختلافات را کنار گذاشتند و با هم متحد شـدند و این اتحاد باعث شـد ایران را به سـه بخش تقسـیم‌بندی کننـد. در ادامه و با شـروع جنگ جهانی اول در ایـران مداخله نظامی کردند و بعد از انقلاب شـوروی و عقب‌نشـینی این کشور از شمال ایران، انگلسـتان سعی کرد قرارداد یک‌طرفـه‌ای را به ایران تحمیـل کند. همه اینها در کنـار رخدادهای دیگر باعـث ضعف دولت مرکزی ایران شـد. مداخلات کشـورهای قدرتمند در ایران که تا قبل از این جامعه فعال ایرانی را شـکل داده بود، این‌بار در تلاقی با دولت ضعیف و قحطی‌های مسـتمر، فقر گسترده و شـیوع بیماری‌های مسری ماننـد آنفلوانـزای اسـپانیایی کـه در اواخر جنگ جهانـی اول در خیلی از کشـورها افراد زیادی را به کام مرگ کشـاند و شدت‌گرفتن وبا که گفته می‌شود نزدیک به دومیلیون ایرانـی براثر قحطی و بیماری مردند؛ یعنی ۱۵ تـا ۲۰ درصد جمعیت ایران در آن زمان، آرایش مناسـب قبلـی را به‌هم ریخت. برای فهم فروپاشـی آرایش مناسـب باید بـه رخدادها و رابطه آنها با هم توجه شـود. چرخه اسـتبداد و هرج‌ومرج و اندیشـه جمع‌گرایی نمی‌تواند توضیح کاملی از ایـن دوره تاریخی مهم ارائه کند. مداخله و تصرف ایران توسط کشورهای استعمارگر، قحطی و فروپاشـی اقتصـاد، همه‌گیری بیمـاری آنفلوانزا بـا هم تلاقی کردند و در این تلاقی آرایش مناسـب نهضـت مشـروطه فروریخت و آرایش نامناسـب بعدی (حکومت پهلوی) شـکل گرفت. لازم است ارتباط این رخدادها که زمینه‌سـاز آرایش نامناسب جامعه ایرانی شـد بیان شـود که پژوهش مفصل دیگری لازم اسـت تا به تفصیل توضیح داده شود. در ایـن دوره دولت فاقد منابع اقتصادی بود و فقط چشـم کمک به دولـت خارجی داشـت و عملا از طریق پولی که از کشـور انگلستان دریافت می‌کرد، می‌توانسـت حقوق کارمندان خود را پرداخت کند. کسـری بودجـه دولت‌های این دوره بـه اوج خود رسـیده بود به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسـید کسری بودجه هیچ علاجـی ندارد. در ایـن دوره مداخله کشورهای اسـتعمارگر در ایران با ظهور قدرت‌های جدیدی مانند آلمان صـورت دیگری پیدا کرد. ابتدا همکاری دو کشور قدرتمند انگلیس و روسیه ایران را به سـه حـوزه (حوزه تحت نفوذ روسـیه، حوزه تحت نفوذ انگلیس و حوزه بی‌طرف) تقسـیم‌بندی کردند. کشـورهای اسـتعماگر از سال ۱۹۰۷ تا زمان جنـگ جهانی اول سـعی کردنـد بـا انقلابیون و ملی‌گرایـان ایرانی مبارزه کنند. در طول همین دوره کشـورهای قدرتمند در سیاست ایران برای نخستین بار دست به مداخله نظامی هم زدند. دولت آن‌قدر ضعیف شـده بود که امکان برقـراری نظم ممکن نبود و عملا دولت به روسـیه به‌ویژه بریتانیا وابسته شـده بود. در آغـاز جنگ جهانـی اول ایران ظاهرا کشـوری مسـتقل بود. لنین دربـاره وضعیت ایران در ایـن زمان می‌نویسـد ۹۰ درصد ایران مسـتمره اسـت. در طول جنگ جهانی اول ایران صحنه‌های نبـرد میان نیروهای بریتانیا و روسـیه و آلمانی‌ها و عثمانی‌ها بود. آلمانی‌ها و تاحدی عثمانی‌ها نیز در ایران نفوذ بیشتری پیدا کرد. روس‌ها تا قبل از جنگ جهانی اول عملا شمال ایران تا نزدیکی اصفهان را با حمله نظامی در اختیار گرفته بودند. انگلیسی‌ها نیز در جنوب ایران مشغول نبرد با آلمان‌ها بودند و عثمانی‌ها نیز در شمال غرب ایران مداخلات نظامی داشـتند. ایران در طول جنگ جهانی اول ویران شد. خسـارت‌های مالی و مـادی ایـران در طول جنگ جهانی اول ۳۰برابر درآمد هرساله ایران بود؛ یعنی رقمی در حـدود ۴۰۰ میلیون تومـان. هیچ دولتی بیش از یک یا دو سال دوام نمی‌آورد. جنگ جهانی اول و ویرانی‌هـای آن، شـیوع بیمـاری آنفلوانزای اسپانیایی، شدت‌گرفتن وبا و قحطی و درنهایت دول ضعیف و درمانده آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصـاد را در ایران به هم ریخت. این‌گونه تلقی شـد که بیش از همه به دولت مقتدر و دست نیرومنـد نیاز اسـت و کمتر توجهی به این شـد که دولت مقتدر در کنار جامعه مدنی قوی راه‌حل غلبه بر مسـائل اسـت. این‌گونه تلقی شـد که مشروطه ایرانی موفق شد حکومت قانون را ایجاد کند اما در زمینه دولت مدرن موفقیتی حاصل نشـد، تنها راه غلبه بر ناکامی‌ها و بی‌نظمی‌ها و سـامان‌دادن امور روی‌کارآمـدن یک مصلح مقتدر اسـت که با زور و اجبار و از بالا نظم را ممکن کند و ایران را در مسـیر پیشـرفت قرار دهد. نگاهی به روزنامه‌ها و مطالب آن زمان نشان می‌دهد که برای بیشتر نخبگان چنین چیزی امری طبیعـی و اجتناب‌ناپذیر بود. تلقی این بود که ایران نیازمند کسـی است که فکر نوین دارد و قوی و قدرتمند باشـد. به عبارتی، دست نیرومند زمزمـه همگانی شـده بود. فرخی‌یـزدی از جمله معدود افـرادی بود که نسـبت بـه راه‌حل دولت خودرأی بدون مردم قدرتمند هشـدار داده بود. وی در نشـریه طوفان ایـن رباعـی را در جهت تکمیل سـخنان خود آورده اسـت: ما دایـره کثرت و قلت هسـتیم/ ما آینه عزت و ذلت هسـتیم/ تو در طلب حکومت مقتدری/ ما طالب اقتدار ملت هستیم

منابع در دفتر روزنامه موجود است

ادامه از صفحه اول

شهردار یا سرپرست

بنابراین شورا باید تا سپردن سکان اداره شهر به دست شـهردار و صدور حکـم او با لحاظ آیین‌نامه شـرایط احراز سـمت شهردار توسط وزیر کشور یکی از کارکنان شهرداری را به‌عنوان سرپرست انتخاب کند. سرپرست نیـازی به صدور حکم از سـوی وزیر کشـور ندارد و با مصوبه شـورا و حکم رئیس شـورا وظایف شهرداری را تا صدور حکم بر عهده می‌گیرد. ۶- فلسـفه اصلی این مهم هم این اسـت که گردش کار مربوط به تأیید صلاحیت‌ها انجام نشـود و بلافاصلـه پس از انتخابِ سرپرست، امور شـهرداری توسط سرپرست شهرداری انجام شـود؛ چراکه ممکن اسـت فردِ نظرکرده برای سمت شهردار، شـرایط سرپرسـتی را نداشته باشد و صدور حکمش توسـط وزیر کشور هم مواعد و مراحل قانونی مشـخصی دارد. ۷- هم‌زمان با تغییر شـورا و شهردار، دولت نیز عوض شده است. عده‌ای شاید تردید کنند که دولت و وزیری وجود ندارد که حکم شـهردار را صادر و صلاحیتش را بررسـی کنند که باید گفت به استناد نظر تفسـیری شورای نگهبان درخصوص اصل ۱۳۵ قانون اساسـی وزرا همچنان تا معرفی جایگزین در دولت جدید مسـتقر هستند و وظایفشان را زیر نظر رئیس‌جمهور جدید بر اساس اصل عدم تعطیل‌برداری حقـوق عمومی به انجام می‌رسـانند. ۸- قاعده کلی در حقوق ایران مخفی‌بـودن رأی‌گیری در هر موردی اسـت که به انتخاب یا عزل اشخاص مربوط می‌شود. قانون اصل را بر مخفی‌بودن آرا دانسـته است، به‌ویژه آنکه درباره روند رأی‌گیری در شـوراها در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای کنونی، رأی‌گیری درباره انتخاب اشخاص به سمت‌های مختلف توسط شوراها از نوع رأی مخفی با ورقه اسـت. بدیهی اسـت درباره انتخاب شهردار و نیز سرپرست شهرداری مخفی‌بودن رأی‌گیری مورد تأکید مقررات موجود نیز هست. هرچند بـا توجه به تحـولات، زمان بازنگـری در این مقررات فرارسیده است. ۹- ماده ۸۰ و نیز ماده ۹۰ قانون شوراها با قائل‌شـدن حق نظارت وزارت کشور و فرمانداری بر مصوبه انتخاب شـهردار و بر کلیه مصوبات شـهردار ضمانت اجـرای عدم رعایت مـوارد قانونی مذکور را اعتراض ایـن مقامات به مصوبه و امـکان ابطال این مصوبات دانسـته است. شورای شهر نیز باید با رعایت دقیق مقررات موجود چه در حوزه تطبیق دقیق شرایط شـخصی شـهردار از حیث تجارب مدیریتی و مدارک تحصیلی و سایر شایستگی‌های عمومی و تخصصی و چه درباره نحوه و مواعد رأی‌گیری به این مقامات دقت لازم را داشـته باشد تا از بی‌اعتباری احتمالی مصوبات خود در همین ابتدای شکل‌گیری جلوگیری کند. ۱۰- به نظر می‌رسد همچنان نقص جدی در آموزش اعضای شـوراها در چگونگی تصمیم‌گیری و اتخاذ تصمیم‌ها همچـون ادوار قبل از همین ابتدای دوره و درحالی‌که هنوز سه روز از تشـکیل شوراها نگذشته، مجددا خود را نشـان داده اسـت که جبران این نقیصه نیز باید در اولویت مراجع مسئول ازجمله وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها باشد.

ادامه از صفحه ۲

اولین فرمان رئیس‌جمهور مستقر

روزها و شـب‌هایی را طی کردم کـه فکر نمی‌کردم سـاعتی دیگر را زنده باشـم. حرکت کند زمان را بعینه حـس می‌کردم. آرزو می‌کردم یک بار، بله یک بار بتوانم روی پایم بایسـتم. آرزو می‌کردم یک بـار، بله یک بار با اطرافیانم غریبه نباشـم و آنان را در آغوش بگیرم. اینجا بود کـه به راز نعمتـان مجهولتان، الصحـت و الامان رسـیدم. حتـی در عدم امنیت می‌شـود امیـد به فردا داشـت اما در نبـود صحت نمی‌توان به سـاعتی دیگر امیدوار بود. آقای رئیس‌جمهور شـما که غریبه نیستید، شـما رئیس‌جمهور کشـور هستید، کشـوری کرونازده؛ قاتلی زنجیره‌ای و مسلسـل به دسـت و دیوانه دارد از مردم انتقام می‌کشد. تنها راه جلوگیری و مهار این قاتل، واکسیناسـیون اسـت. آقای رئیس‌جمهور، اولین فرمان شما مبارزه با این قاتل باشد.

ادامه از صفحه اول

میدان رئیسی اینجاست؟

اصولگرایـان و حتی برخی اصلاح‌طلبـان بر این باورند که با اندک گشـایش اقتصـادی، رضایت مردم حاصل خواهد شـد. بعید است این‌گونه باشد، جامعه ایران جامعه بسیار پیچیده‌ای است و با این نظریه‌های سـاده‌انگارانه مطابقت چندانی ندارد، چه‌بسـا مردم با اندک گشـایش اقتصادی به سیاسـت بازگردند. این نظریه‌های ساده‌انگارانه شکاف‌های جامعه را عمیق‌تر خواهد کرد و هر دولتی هرقدر مقتدر و یکدست، در این وضعیت هضم خواهد شـد. اگر مایکل مان بر قدرت زیرساختی، یعنی بازگشت به جامعه مدنی تأکید دارد، گرامشـی نیز میان اجبار و رضایت تمایز قائل است. او بر این باور اسـت که «دولت به معنـای اجبارآمیز آن بسیار کوتاه‌بینانه است». دولتی که نتواند حیات جامعه مدنـی را تضمین کند، در هر شـرایطی دچـار بحران خواهد شد. شاید تعبیر گرامشی بیش از همه در اینجا به کار ما بیایـد. دولت به معنای دولت، یعنی جامعه سیاسی به‌اضافه جامعه مدنی. البته گرامشی جامعه سیاسی را سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌داند. نهادها و سـازمان‌هایی که می‌توانند با جامعه مدنی پیوندی ارگانیک برقرار کنند. دولت رئیسی با جامعه‌ای روبه‌رو است که پیش‌ازاین رؤسای جمهور آن هریک به دلایلی این مرجعیت سیاسی را در جامعه از دست داده‌اند یا به معنای دقیق‌تر مخالفانشان شرایطی به وجود آورده‌اند که این اقتدار سیاسی مستهلک شده است. دستیابی به قدرت سیاسـی برای رئیسـی حیاتی است. او از قدرت اقتصادی بی‌نصیب نیسـت و همسو با قدرت نظامی اسـت و با اینکه قدرت ایدئولوژیک نفوذِ سابق خود را ندارد اما همین مقدار باقی‌مانده برای او کارایی دارد. از این منظرِ قدرت سیاسی به‌منزله اثرگذاری در جامعه، دولت احمدی‌نژاد از رئیسی جلوتر بود. قدرت سیاسی به‌مثابه قدرت مردم سپر رؤسای جمهور است. بسیاری در این میدان خواسـته یا ناخواسـته سـپر انداخته‌اند و اینک این عرصه برای رئیسـی کارزار دشواری است، چراکه او بی‌سپر وارد میدان شده است و در این میدان باید برای خود سـپری دست‌وپا کند. راه سخت رئیسی همین‌جاسـت؛ راه درک و فهـم مـردم. درکِ جامعه متنـوع و متکثری کـه به دولت‌های ایـران بی‌اعتماد شده اسـت. دولت‌هایی که پیش از این به‌سوی منافع خویش رفته‌اند و سبب‌سـازِ شـکاف دولـت و ملت شده‌اند. ترمیم این شـکاف از اولویت اصلی برخوردار اسـت، نه گشـایش‌های اقتصادی موردی و خیریه‌ای برای خاموش‌سازی معترضان و به‌محاق‌راندن توسعه سیاسی.

*** برداشـتِ این یادداشـت از تعابیر مایکل مان، با تعاریف خودِ او از این مفاهیم مطابقت کامل ندارد.**

تولید دانش‌بنیان و ضرورت تعامل مثبت با جهان

چنین ارتباط سـازنده‌ای جز در سایه تعامل مثبت با جهان امکان‌پذیر نیسـت. دشواری‌هایی که برقراری تحریم‌های ظالمانه برای کشـورمان فراهم آورده، در محروم‌شـدن کشـور از درآمد فروش نفت یا استفاده از خدمات و امکانات شـبکه بانکی جهانی یا افزایش هزینـه تأمیـن کالاها و مـواد اولیـه وارداتی خلاصه نمی‌شـود. بلکه بی‌اغراق مهم‌ترین مورد محرومیت تحمیلی، محرومیت مراکز پژوهشـی و پژوهشـگران ما از امکان ایجاد ارتباط سـهل و آسان با مراکز علمی معتبر دنیا و مشـارکت در بده‌بسـتان‌های رایج علمی و پژوهشـی اسـت. درواقع اگر روزی زیان‌های ناشی از تحریم به کشـورمان را برآورد کنیم و با حسابرسـی دقیق ابعاد آن را بسـنجیم، درخواهیم یافت که زیان مراکـز علمی کشـورمان دسـت‌کمی از تحمیل تورم دورقمی ناشـی از گران‌شـدن قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت تمام‌شـده محصـولات وطنی ندارد؛ اما شـاید به این دلیل که این خسـارت هنگفت در کوتاه‌مدت خود را نشـان نمی‌دهد و از دید متولیان امر مخفی می‌ماند، چنـدان موردتوجه قرار نمی‌گیرد و برای آن چاره‌اندیشی نمی‌شود. برای تکمیل مبحث بیان خاطره‌ای از سـالیان دور خالی از فایده نیسـت. سال‌ها پیش دوست دانشجویی که در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران مشـغول تحصیل بود و برای موضوع پایان‌نامه‌اش بررسی نظریات تئودور شولتز، اقتصاددان برجسته و برنده جایزه نوبل را انتخاب کرده بود، به فکر افتاد که شانس خود را در مکاتبه با این دانشمند بزرگ بیازماید. این دانشـجوی جوان نامه‌ای برای پروفسـور شـولتز نوشـت و چندی بعد نامه‌ای محبت‌آمیز از او همراه با کتابـی دریافت کرد. نکته‌ای که برای نگارنده بسـیار جالب بود، این بود که شـولتز از آن دانشجوی جوان خواهش کـرده بود، بعـد از تکمیل مطالعه و تدوین پایان‌نامه، یک نسـخه از کارش را برای او ارسال کند. شولتز ۸۸ساله و استادی که لذت برنده‌شدن جایزه نوبل را تجربه کرده بود، هنوز خود را نیازمند این می‌دید که از بررسـی و تحقیق درمورد نظریاتش توسـط یک دانشجوی جوان در دانشگاهی دوردست مطلع شود و نکته جدیدی بیاموزد. طبعا وقتی تئودور شولتز مرحوم خود را از دانش و کار پژوهشـی یک جوان دانشجوی جهان سـومی بی‌نیاز نمی‌بیند، بی‌نیازدانسـتن مراکز علمی کشور از ارتباط سهل و آسان و بی‌دردسر با مراکز معتبر جهان را باید اوج بی‌خردی تلقی کرد. بی‌تردید برقراری رابطه و تعامل مثبت و مؤثر بین مراکز پژوهشی کشـور و مراکز علمی معتبر جهان در گرو حل برخی مشکلات در عرصه سیاست خارجی است. امید است دولت سیزدهم با توجه به اهمیت و ضرورت رشد تولید دانش‌بنیان و ضرورت پرداختن به الزامات آن، مقدمات تعامل سـازنده بین مراکز علمی کشورمان با جهان را فراهم کند تا بیش از این نظام علمی کشورمان از قافله دانش و پژوهش جهان عقب نماند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی (ارزیابی کیفی)

شناسه آگهی ۱۱۷۲۰۲۲

نوبت دوم

مناقصه عمومی یک مرحله ای شـماره م م آ ج /۱۴۰۰/۰۰۰۵ (شـماره فراخوان ثبت شـده در سامانه ستاد ۲۰۰۰۰۹۳۲۲۸۰۰۰۰۸۲)
مربوط به پروژه جابجایی و نصب سه عدد دکل خط هوایی تزریق گاز آغاجاری در محوطه چاه ۹۹
توجه : اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir می باشد.

الف-شرح مختصر:
۱-برچیدن (دمونتاژ) ۳ عدد برج مشبک ۶۳ کیلو ولت و حمل و باراندازی آنها تا محل چاه ۹۹
۲-نصب کامل برج فولادی مشبک ۶۳ کیلو ولت به همراه کلیه تجهیزات مربوطه بطور کامل
۳-تهیه و اجرای سیم کشی هوایی و سیم محافظ هوایی ۳ عدد دکل مورد نظر، همچنین تهیه و نصب سیم و میله ارت ۴-پروژه تعدیل پذیر می باشد و تعدیل براساس بخشنامه ۱۰۱/۱۷۳۰۷۳ مورخ ۸۲/۹/۱۵ سازمان برنامه و بودجه کشور محاسبه و پرداخت می گردد.

ب- برآورد کارفرما/محل ومدت انجام
۱-محل انجام خدمات ، حوزه عملیاتی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری تا شعاع ۶۰ کیلومتری شهر امیدیه می‌باشد. ۲- مدت اجرای پروژه ۸ ماه و دوره نگهداری ۸ ماه می باشد.
۳-برآورد تقریبی کارفرما معادل -/ ۲۴٫۰۳۱٫۱۷۰٫۵۰۹ ریال می باشد.

ج- شرایط مناقصه گران متقاضی
● داشتن حداقل رتبه ۵ رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور و ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی معتبر از اداره تعاون،کار و رفاه اجتماعی، ارائه آگهی تاسیس و آخرین تغییرات معتبر
● ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ-/ ۲۰۱٫۵۶۰٫۰۰۰ را ریال و همچنین ده درصد مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات، ضمنا در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر اولویت با شرکت های بومی می باشد.
● ارائه رسـید وجه صادره از سـوی حسـابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکر به شماره حساب IR۱۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۹۱۰۶۳۷۷۰۶۱ تمرکز وجوه سپرده نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بنام شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری ● مناقصه گر جهت تحویل تضمین شـرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سـامانه لازم اسـت بصورت حضوری به دفتر کمیسـیون مناقصات در امیدی